



آینده شغلی

تنظیم کننده گفت و گو: مریم موسوی

اشاره

یکی از مهم ترین مأموریت های نظام آموزش و پرورش زمینه سازی برای شناخت دانش آموزان از استعداد، مشاغل و انتخاب مسیر آینده شغلی است. در این زمینه گفت و گویی با سرکار خانم **طاهره فضایی**، معاون دفتر مشاوره وزارت آموزش و پرورش، انجام شده است که با هم می خوانیم.

■ **در فرایند هدایت تحصیلی، دانش آموزان در پایان متوسطه اول باید بتوانند به خودشناسی برسند. سؤال اینجاست که آیا واقعاً دانش آموزان پایه نهم ما به این خودشناسی دست پیدا می کنند؟**

■ اگر بخواهیم واقع بینانه به این سؤال پاسخ بدهیم، باید بگوییم، با این روند هدایت تحصیلی و شغلی، هیچ کدام از دانش آموزان ما نه تنها در پایان سال نهم، بلکه در پایه های بالاتر، به درک درستی از خود و خودشناسی لازم نمی رسند. یکی از مهم ترین دلایل آن مقطعی بودن فرایند هدایت تحصیلی و معطوف شدن آن به صورت واقعی به پایه نهم است، در حالی که در تمام دنیا هدایت تحصیلی و انتخاب رشته و مسیر تحصیلی شغلی دانش آموزان از همان بدو ورود به مدرسه و از پیش دبستانی آغاز می شود. در عین حال، دانش آموز برای آگاهی از ویژگی های شخصیتی خود و همچنین استعدادها و توانایی هایش، باید موقعیت های مختلف شبیه سازی شده شغلی را تجربه کند؛ موقعیت هایی که او خودش را در آن شرایط ببیند و بارها این کار را تکرار کند تا بتواند بعداً مسیر درست خود را ترسیم کند. در نظام آموزشی ما این فرایند به درستی طراحی و اجرا نمی شود.

■ **آیا دانش آموزان برای انتخاب مسیر زندگی آینده آمادگی لازم را کسب می کنند؟ از لحاظ اعتقادی، جسمی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی، شغلی و حرفه ای.**

■ دانش آموزان ما برای طراحی و انتخاب مسیر زندگی آینده به چند دسته اطلاعات نیاز دارند. ابتدا باید به خودشناسی و درک درستی از خود به عنوان دانش آموز و نوجوان برسند. در

واقع، باید سؤال اصلی مربوط به فرایند هویت یابی را از خود پرسیده و به جوابی برای آن رسیده باشند. اینکه من کیستم و به کجا می خواهم بروم؟

برای دستیابی به هویت، نوجوان باید در کودکی و در سنین دبستان به خودآگاهی برسد؛ آگاهی از تمامی ویژگی های خود از جنبه های جسمی، اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و خانوادگی.

به دلیل نبود نیروی مشاور در مدرسه های ابتدایی و نبود محتوای درسی منسجم برای آموزش در این زمینه، متأسفانه این احساس نیاز برای دانش آموزان که باید از ویژگی های خود به عنوان یک انسان آگاه شوند، اتفاق نمی افتد. گاهی برنامه ها و طرح های جسته گریخته ای در این زمینه انجام می شوند که به دلیل بسیار مقطعی و گذرا بودن، تأثیر زیادی روی دستیابی به خودآگاهی ندارند.

ما باید مانند اکثر کشورهای پیشرفته در دوره ابتدایی، به دانش آموزانمان اجازه دهیم خودشان را کندوکاو کنند، خود را در موقعیت های گوناگون ببینند، برایشان موقعیت خلق کنیم، به خانواده های آن ها آموزش دهیم مهم ترین کاری که می توانید برای فرزندانان انجام دهید، کمک به آن ها برای دستیابی به خودآگاهی و در ادامه خودشناسی و دستیابی به هویت یکپارچه و منسجم است؛ هویتی که بر اساس مبانی فرهنگی و دینی جامعه و بر اساس واقعیت های زندگی کنونی ما شکل بگیرد.

برای این کار باید حتماً از معلمان دوره ابتدایی و دبیران متوسطه اول به عنوان بازوان توانمند و اجرایی استفاده کرد. معلم ابتدایی، به واسطه جایگاه مهمی که در دنیای کیفی دانش آموزانش دارد، می تواند بهترین

تأثیرات را روی جنبه‌های اعتقادی، اجتماعی، جسمی و اخلاقی شاگردانش بگذارد.

حتماً باید محتوای درسی منسجم و پیوسته‌ای از پایه اول ابتدایی تا پایان پایه نهم طراحی و به برنامه درسی دانش‌آموزان اضافه شود.

اگر این اتفاقات بیفتند، دانش‌آموزان ما در پایان نهم هر کدام مسیر زندگی آینده‌شان را به خوبی ترسیم خواهند کرد، چرا که به خودشناسی کامل و هویت منسجم و یکپارچه‌ای رسیده‌اند. همچنین، با آگاهی و شناخت حرفه‌ها و مشاغل آینده می‌توانند تصمیم آگاهانه و آزادانه اتخاذ کنند.

■ آیا معلم، مشاور، مربی و والدین نقش خود را به درستی انجام می‌دهند؟ برای توانمندسازی معلمان و مشاوران چه اقداماتی باید انجام داد؟

■ معلمان دوره ابتدایی با تمام زحمت و تلاشی که برای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به خرج می‌دهند، در راستای آماده کردن دانش‌آموزان برای طراحی مسیر زندگی آینده خود اقدام تأثیرگذاری انجام نمی‌دهند. باید در نظر داشت، این اظهار نظر کلی است و هستند معلمان زحمتکشی که نقش خود را در این حوزه به خوبی انجام می‌دهند، اما با توجه به اینکه نظام آموزشی ما با

کمبود نیرو در دوره ابتدایی و به شدت

با کمبود آموزگار روبه‌روست

و تقریباً یک دهه است

که حجم بالایی از کمبود

نیرو از طریق ماده ۲۸

(فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

و جذب از طریق آزمون

استخدامی) جبران می‌شود

و متأسفانه برنامه آموزشی

منسجم و منظمی برای آموزش

نیروهای تازه استخدام شده

وجود ندارد، بنابراین ما در این

زمینه به توانمندسازی معلمان

و به‌خصوص معلمان دوره ابتدایی نیاز داریم.

ما در مدرسه‌های ابتدایی به‌ندرت نیروی مشاور داریم

و معمولاً اولویت تخصیص نیرو با دوره متوسطه اول است.

مشاوران مدرسه‌های ما هم به دلیل حجم بالای طرح‌ها

و برنامه‌ها و کمبود ساعت تخصیص یافته در مدرسه‌ها در

عمل در این حوزه شاید به‌صورت صددرصد نتوانسته‌اند

مؤثر باشند. با توجه به تغییرات خوشایندی که در سند

نظام جامع از لحاظ شاخص تخصیص نیرو اتفاق افتاده

است و همچنین تخصیص نیروی مشاور به مدرسه‌های

ابتدایی به‌عنوان یک راهکار عملیاتی در سند، می‌توان

امیدوار بود که با توانمندسازی مشاوران مدرسه در راستای

استعدادیابی و هدایت تحصیلی فرایندی و همچنین با

کمک تمامی ارکان نظام آموزشی، بتوان به تغییرات مورد

نظر دست یافت. لازم به ذکر است، بسیاری از نیروهای

مشاور از توانمندی بالایی برخوردارند، اما بعضی نیروهای

تازه‌استخدام شده به آموزش و توانمندی نیاز دارند.

بنابراین، باید برنامه جامع و منظمی برای توانمندسازی

مشاوران مدرسه و تجهیز آن‌ها به دانش و اطلاعات علمی

و به‌روز، در راستای دستیابی به اهداف فوق، طراحی و

اجرا کرد.



والدین و اعضای خانواده دانش‌آموزان نیز به‌عنوان بازوهای قدرتمند در تربیت دانش‌آموزان، به آموزش نیاز دارند. طبق نگاه سازمانی و رویکرد سازنده‌گرایی، برای ایجاد تغییرات سازنده باید در نظام به‌صورت یکپارچه شرایط ایجاد تغییر شود. برای همین، ما باید خانواده‌ها و اعضای آن‌ها را نیز در این راستا آموزش دهیم. برای آموزش و توانمندسازی والدین و اعضای خانواده دانش‌آموزان نیز می‌توان برنامه جامع و منسجمی آماده کرد؛ برنامه‌ای که با برنامه‌های مشاوران، معلمان و محتوای درسی دانش‌آموزان هماهنگ باشد تا همگی به‌صورت یکپارچه و فرایندی و گام‌به‌گام در این زمینه کمک کنند و ان‌شاءالله به نحو احسن شاهد پرورش دانش‌آموزانمان باشیم.

■ فرایند هدایت تحصیلی چه اصلاحاتی نیاز دارد؟

۱. تدوین نظام جامع استعدادیابی و هدایت فرایندی و استقرار و اجرای آن از دوره پیش‌دبستانی تا پایان متوسطه دوم به‌منظور شناسایی دقیق استعدادها و دانش‌آموزان، هدایت دانش‌آموزان در مسیرهای

شناسایی‌شده و برنامه‌ریزی برای کمک به پرورش و شکوفایی استعدادها؛

۲. تدوین و اعتباریابی ابزارهای معتبر و کوتاه‌سنجش استعداد و رغبت‌های دانش‌آموزان بر اساس مراحل رشدی

آن‌ها و همسو با نظام استعدادیابی و اجرای آزمون‌ها در چند مرحله و به‌صورت فرایندی، از ابتدایی تا پایان متوسطه اول؛ ۳. آموزش و توانمندسازی آموزگاران ابتدایی و دبیران متوسطه و والدین برای خلق موقعیت بروز استعداد و علاقه‌های دانش‌آموزان و جلب مشارکت تمامی عوامل مدرسه‌ای، اداری، آموزشی، پرورشی، رسانه، خانواده و دستگاه‌های اجرایی مربوط در مسیر هدایت تحصیلی؛

۴. برنامه‌ریزی برای رفع مشکل کمبود نیروی مشاور و تخصیص نیروی مشاور به مدرسه‌های ابتدایی و متوسطه دوم و توانمندسازی آن‌ها در زمینه راهنمایی و هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان؛

۵. تجهیز هنرستان‌های فنی و کار دانش به امکانات به‌روز و برنامه‌ریزی برای عقد قراردادهای جذب نیروی کار از فارغ‌التحصیلان این مدرسه‌ها با شرکت‌ها، سازمان‌ها و کارخانه‌های کشور که به نیروی کار فنی نیاز دارند؛

۶. راه‌اندازی برنامه‌های تلویزیونی با موضوع هدایت تحصیلی فرایندی و استعدادیابی به‌منظور آموزش و توانمندسازی خانواده‌ها و ایجاد تغییرات مثبت در باورها و نگرش‌های آن‌ها در جهت اهداف مهم فرایند هدایت تحصیلی و انتخاب رشته بر اساس واقعیت‌ها و ویژگی‌های فرزندان، نه بر اساس باورهای غلط و نگرش‌های نادرست؛

۷. تهیه و تدوین بانک اطلاعاتی تحصیلی و شغلی متناسب با مراحل رشدی دانش‌آموزان و ارائه اطلاعات به‌صورت فرایندی و گام‌به‌گام به‌منظور توانمندسازی آن‌ها؛

۸. تدارک شرایط و امکانات لازم برای دانش‌آموزان به‌منظور کسب تجربه‌های شغلی در موقعیت‌های شبیه‌سازی‌شده و ایجاد آمادگی در آن‌ها برای سپری کردن مراحل انتخاب شغل و دستیابی استقلال و تصمیم‌گیری مطابق مدل‌ها و نظریه‌های انتخاب شغل و حرفه.

